

زن، فرهنگ، دو واژه

سیده سعیده سنجری*

چکیده

تراوش هایی که از فکر بشر در طی زمان از دیر باز برای ارتقا و اعتلای ساختار اخلاقی و اجتماعی به وجود می آید فرهنگ است. هر فردی نشان دهنده جزئی از جامعه است که با پیروی از کردارهای خاصی که منجر به نظم می شود، ارزش ها، اعتقادات و باورهای یک جامعه را تأمین می کند. رفتارها و کردارهای فردی که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و به تدریج مطابق ارزش های معیار، جامعه آن را صیقل داده و به صورت فرهنگ حاکم می شود.

در خلال پاره ای از این ارزش ها زن و مقام وی و نگرش نیاکان ما جزء مراتبی هستند در خور توجه جهت بررسی و آگاهی های فرهنگی و اینکه زنان در تاریخ فرهنگ این مرز و بوم از حرمت و اعتبار والایی برخوردار بوده اند. این ارزشمندی و اعتبار را می توان در متن ها و داستان های کهن مشاهده نمود که در بر دارنده نگرش و فرهنگی گذشتگان در این امر می باشد.

زن به معنی: زایش است که به صورت واژه های *vadhu, nāīrī, nārig, vantav, wad, wa/ōd, zan* در متون کهن چون پهلوی، اوستایی، سغدی، سنسکریت به کار رفته است. به زن القابی چون در زبان فارسی میانه که واژه به معنی «بانو» است داده شده است. در زبان سغدی به معنی «بانو، خانم، همسر، ملکه و شهبانو» است. در این مقاله نگارنده از آغاز آفرینش انسان مطالبی را ارائه می کند و زن را که نمونه ای از خلقت هستی است به عنوان جزئی از فرهنگ با همه نمادینه های نیکی و بدی در ادوار کهن مورد بررسی قرار می دهد.

کلید واژگان: زن، فرهنگ، اسطوره، آفرینش، ازدواج، ستایش.

* دکتری فرهنگ و زبان های باستانی و هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودسر

مقدمه

اولین تصویر، از اولین خانواده به نخستین زوج بشری بر می گردد. در آیین های یهود، مسیحیت و اسلام، این خانواده را آدم و حوا تشکیل می دهند. از دیدگاه آیین زردشتی، اهورامزدا آفریدگار همه نیکی ها در آغاز آفرینش دینوی خود کیومرث را که اولین موجود فانی و نمادی از بشریت است به وجود می آورد و چون اهریمن حمله خود را به سوی زمین آغاز می کند، «کیومرث» به یاری اهورامزدا به بیهوشی فرو می رود و بعد از سی سال مرگ به سراغش می آید. پس از مرگ به زمین می افتد، جسد او فلزها را در دل زمین به وجود می آورد و نطفه او در نور خورشید صاف می شود و «سپندارمد» الهه زمین آن را دریافت می کند و ثمره آن دو شاخه ریواسی است که سبز می شوند و اولین زوج انسانی «مشی» و «مشیان» از این شاخه ریواس به وجود آیند.^۱ اهورامزدا به این زوج افکار اهورایی می آموزد ولی اهریمن نیز در کمین است و در فریب آنها می کوشد و موفق می شود. بازده این فریب و مکافات این اشتباه نقصی در خانواده به وجود می آورد، به این ترتیب که تا پنجاه سال این زوج نمی توانند صاحب فرزندی شوند. بر آنها حوادث گوناگونی می گذرد و سرانجام که به یاری اهورامزدا کفاره گناه را پس می دهند، از اولین وصلت آنها، اولین پسر و دختر به دنیا می آیند و نسل بشر تداوم می یابد.

در جریان آفرینش در برخی کتاب های مذهبی بیان می شود زن برای مرد آفریده می شود و به خاطر گناه زن است که ابوالبشر از بهشت رانده می شود و یا اینکه زن از دنده چپ مرد آفریده شده است و... همه این نظریه ها که در آیین ها جلوه گر می شود که زن از مرد و برای مرد آفریده شده است مطرود و پس از آیین زردشت و تعالیمش، زن و مرد یکسان در برابر مشیت الهی قرار می گیرند.

بقایا و بازمانده های اسطوره های دگرگون شده کهن حاکی از آن است که از دوران بسیار دور زن نقشی فروتر از مرد نداشت و به سبب دگرگونی های جامعه گاهی نماد سرکشی و عصیان و گاه نماد توانایی و پرستش بود و در واقع رمز دوگانگی شخصیت زن در فرهنگ ایرانی در طی دوران مختلف به نمود در آمد. در جوامعی چون مادها که زن کارهای قبیله را اداره می کرد در عین حال زنجیر اتصال خانواده به وسیله زنان صورت می گرفت. آنها سازنده ظروف سفالین بودند و انجام اموری چون جمع آوری میوه ها، کشت و زرع، نگهداری فرزندان و نگهداری از آتش و... موجب شد تا در دوره نوسنگی (ده هزار ق. م) دوره مادرشاهی (مادر سالاری) نام بگیرد که در کنار همه وظایف سنگینی که به عهده زن گذاشته شده بود، اولویت و تفوق مقام زن بر مرد جلوه گر شد و زنان در این راستا، علاوه بر مدیریت اقتصادی و اجتماعی به مقام روحانیت هم می رسیدند. از این عصر تعداد زیادی مجسمه های سفالین از رب النوع مادر که خدای نعمت و فراوانی بود، در دست است. وجود واژه های خاص زنان دینی، حاکی از فعالیت های دینی و اجتماعی بانوان در جوامع دینی آن روزگار است. قدیس، مونث آن قدیسه، در نزد مسیحیان، کسی است که به سبب زهد و تقوا و سایر فضایلش، عموماً یا رسماً، سرآمد اقران شمرده شده است. مریم عذرا بزرگترین قدیس - بانو است. برای ستایش قدیسان و قدیس - بانوان در لیتورژی (= آیین قربانی مقدس) آیین ها و مراسمی انجام می شود. افزون بر آن کارهایی از قبیل زیارت رفتن، خواندن ادعیه خاص، بزرگداشت شمایل آنان و برگزاری مراسم سالانه

۱. م. موله، ایران باستان، ترجمه ژاله آموزگار، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۰۲

برای اخلاص ورزیدن نسبت به قدیسان و قدیس - بانوان انجام می شود. در اعتقادات قدیم مردم سرزمین کهنسال ما حق زن و مرد در خانواده یکسان است. در زمان ساسانیان که دین زردشت اهمیت اولیه خود را باز یافت خواستار برابری کامل زن و مرد بود. در اوستا کتاب دینی زردشتیان همه جانام زن و مرد در یک ردیف ذکر شده و در کارهای دینی که زنان باید انجام دهند و دعاهایی که باید بخوانند زن را با مرد برابر شمرده است و حتی جایی که موبد حضور نداشت، ممکن بود که زن به مقام تقاضا برسد. گرچه رهبری جوامع مذهبی را در طول تاریخ مردان بر عهده داشته اند اما در آثار سخن از نقش مؤثر بانوان در جوامع دینی آن روزگار نیز بوده است.

زنان ایران زمین علاوه بر نقش برجسته فرهنگی، علمی در امور اجتماعی بسیار بوده است. آنان در کنار ایفای نقش مادری و همسری به کوزه گری، سنگ بری و طراحی و نوازندگی و پارچه بافی نیز می پرداختند. به طوری که در خصوص امر پوشاک، زنان هر خانواده با استفاده از دستگاه های ریسندگی، پوشاک مورد نیاز خانواده را آماده می کردند. چرا که از دوران مادها برای این کار از پشم ها کتان و الیاف گیاهی استفاده می نمودند.

در صنعت کوزه گری مهرهایی است که زنان را در حال کوزه گری نشان می دهد. اگر چه فرهنگ و ادبیات ایران سرشار از داستان هایی اساطیری و حماسی و قومی است اما در هیچ یک از منظومه های حماسی زنی دلاور و پهلوان، قهرمان نخست و اصلی داستان نیست، در باب عشق و پهلوانی و فداکاری پانته آهمسر آبراداتاس که پس از مرگ همسرش خودکشی می کند و به دستور کوروش مقبره وسیعی برای آنها می سازند. دوغدو^۱ مادر زردشت که «فر» پیامبر بزرگ از راه روشنی های بی پایان نخست به «دوغدو» زنی که مادر زردشت خواهد شد می رسد و وارد جسم او می گردد. هنگامی که کوی ها و کرپن^۲ ها با جادوگری مصمم به از بین بردن کودک دوغدو بودند و بارها او را در برابر آتش افروخته و گله گاو و اسبان قرار می دادند، در هر زمان دوغدو در سپیده دم می تاخت و زردشت را می گرفت و با دست راست او را در جای امنی می نهاد.

در تاریخ حکایت های بسیاری در خصوص اقتدار سیاسی زنان و منزلت آنان در امر شاهی وجود دارد. از جمله از پوراندهخت دختر خسرو پرویز که در تیسفون تاج شاهی بر سر نهاد و دینگ که مادر هر مز سوم و پیروز است و او نیز در تیسفون سلطنت می کرد و خاتون بخارا که پانزده سال حکومت کرد، و یازنان جنگ جویی که برای دفاع از حیثیت، خانواده و سرزمین شان پهلوانانه نبرد می نمودند. زنانی که حضورشان موجب شد تا فرهنگ جامعه آن روزگار ارجمندی مقام زن را در تاریخ فرهنگ ایران ثبت کند.

نگاهی به آیین های ازدواج

در فرهنگ ایران زمین، عاشق شدن خاص مردان است و جامعه از زن انتظار پنهان کردن این غریزه را دارد

۱. DūyDaw

۲. karpan

و ارزش های اخلاقی جامعه بی گمان عشق و بیان آن را دور از شأن متعالی زن می داند. اما در ازدواج هایی که در دورانی بس کهن رخ می داد. موقعیت زن گاهی سیر نزولی و یا صعودی پیدا می کرد. در پادشاهان زن، یک دختر با رضایت بزرگتر خود شوهر می کرد. در نتیجه کد بانوی صاحب اختیار خانه بود که عالی ترین رتبه همسری را داشت.

نوع دیگر ازدواج ایوگین^۱ زن بود که وقتی پدری فرزند پسر نداشت دختر خود را به نام خود به شوهر می داد و اولین فرزند پسر او از لحاظ قوانین دینی به پدر و مادر زن متعلق می یافت و پس از آن پسر این زن می توانست مجدداً او را به پادشاه زنی پدر خود بدهد.

ستر زن^۲: اگر مردی در سال های پانزده به بالا، بدون انتخاب همسر در می گذشت، بازماندگان او برای آسایش روان او دختری را به نام او شوهر می دادند تا به اعتقاد آنان در آن دنیا او را هم زن و فرزندی باشد. چکرزن یا چاکرزن^۳: عنوانی بود که به زنی که شوهرش در گذشته بود و دوباره شوهر اختیار می کرد گفته می شود. به تعبیری او هنوز در خدمت شوهر پیشین قرار داشت.

پنجمین نوع ازدواج خودسرزن نامیده می شد که دختر بدون موافقت پدر یا قیم خود ازدواج می کرد. در ازدواج ها مهریه نیز رایج بوده است که گهریگ / گهری نامیده می شده است. جهاز و مقدار و چگونگی آن نیز به رضایت طرفین بستگی داشت و چون هنگامی که دختر به شوهر می رفت احتمالاً دیگر از پدر یا قیم خود ارثی دریافت نمی کرد، سعی او بر این بود که جهاز کاملی با خود ببرد.

در ادبیات حماسی ازدواج ها یا بازمانده دوران زن سالاری است که ازدواج بر اساس پیشنهاد و انتخاب زن صورت می گیرد چون ازدواج تهمنه با رستم و یا زن از طریق فرستاده پیشنهاد می دهد (رودابه با زال) و یا خاص دوره مرد سالاری است که ازدواج با انتخاب و پیشنهاد مرد انجام می شود (کی کاووس با سودابه) و گاهی بنابه صلاحدید سیاسی صورت می گیرد (سیاوش با فرنگیس) کتابیون دختر قیصر روم که بر طبق سنت نیاکان از میان جمع مردان می گذرد و هر کس را که می پسندد به همسری بر می گزیند (گشتاسب ایرانی) و رستم که بی خبر از دخترش بانو گشسپ، زورمندترین پهلوان (گیو) را به عنوان همسر به دخترش معرفی می کند.

او پهلوانان ایرانی را بر روی فرشی بزرگ می نشاند و می گوید: من با یک بار تکان فرش، شما را از فرش بیرون می اندازم. اگر کسی بر فرش ماند، لایق همسری دخترم بانو گشسپ است.

زن به عنوان بانوی اول کشور و نیز در جایگاه مادر و همسر در خاندان شاهی صاحب نظر بوده است به طوری که مورخان یونانی نقل می کنند شاه در مجالس رسمی و غیر رسمی، در موقع خوراک پایین تر از مادر خود می نشست و جوانان برای عروسی از پدر و مادر اجاره کسب می کردند.

۱. pādšāzan

۲. ēvagzan

۳. setarzan

۴. čakarzan

دو تصویر یک نقش

در اساطیر کهن زنان پارسا به عنوان فرشتگان با نمادهای مثبت چون بینش و خرد ورزی، باروری و کمال یکی از پایگاه‌های والای اجتماعی آیینی را به خود اختصاص داده بودند و در کنار ایزدان پرستیده می شدند. قداست و برجستگی شخصیت آنها^۱ که فرشته موکل بر آب است و او را الهه آب‌ها می شمردند. برابری او با آرتیمیس در یونان و الهه ننه یا نانه NaNa نشان از ایزد بانویی است که ستایش و پرستش او به دوره های بسیار کهن برمی گردد. زمانی که از الهه‌ای برجسته با قابلیت نیایش سخنی به میان می آید، توصیف نیرومندی، زیبایی و پاکی او نیز در جایگاه آسمانی مطرح می شود. نیروبخشندگی نیروهای سه گانه روحانی - ارتشتاری و تولید (=واستریوشان).

دیگر چهره بی مرگ مقدس، سپندارمذ^۲ است که جشن (=عید) زنان متعلق به این ایزدبانو است. در ایران باستان، هر روز اسم خاصی داشت. برخی از اسامی این روزها با نام های دوازده گانه یکی بود و نام روز در نام ماه تکرار می شد. زمانی که اسم ماه با اسم روز یکی بود آن روز را جشن می گرفتند. اسفند روز که پنجمین روز از اسفند ماه است متعلق به سپندارمذ بوده است و جشن اسفندگان نامگذاری شده است. در این روز زنان از افراد خانواده هدیه می گرفتند.

دین یادثنا^۳: دیگر زن نیکویی است که موجب آسودگی زنان است. در اوستا به معنای «وجدان» یکی از پنج نیروی روحانی یا معنوی انسان است. اگر انسانی به این نیرو دست یابد هرگز به بدی روی نمی آورد. او سرور زنان است.

دثنا در واقع معرف کردارهای شخص، وجدان و خویشتن معنوی فرد است. این ایزد بانو خواهر ایزد بانو ارت و فرزند اهوره مزدا و آرمیتی^۴ است.

چیستا^۵: ایزد بانوی نگهبان علم و دانش و عبادت کننده و سپید و سپید پوش توصیف شده است. سپید پوش بودن چیستا جامه سفید موبدان را در ذهن تداعی می کند که از دیرباز تاکنون سپید پوش بوده اند و پارانند^۶ که نگهبان دارایی مردم است و ظاهراً با ستاره ای به همین نام برابر است.

در کوی شاهنامه ارنواز و شهرنواز / شهرناز که مظهر کمال و خرد و پاکی اند، فرانک، تهمینه، رودابه، منیژه و کتابون و... که نمونه های بارز گذشت و عشق و نیکی اند، و نقطه مقابل چهرهای روشن و سفید دیو زنانی نیز نمایان هستند که سپاهیان و همکاران اهریمن به شماره می روند. دیو - بانوان مظاهر پلیدی هستند که مقاصد آنان در پوشش تاریکی محقق می شود و با برآمدن خورشید کردارهای پلیدشان متوقف می شود. دروج (darj) همان نامی است که برای دیو - زنان به کار می رود که به معنی دروغ یا فریب و نیرنگ است. آنها انسان ها را گمراه می سازند و جهی (jehi) که به معنی دیو زن یا زن بد کردار است نام دختر اهریمن است

۱. arðvi. surā. anāhitā

۲. spandarmad

۳. daēnā

۴. ārmaiti

۵. čistā

۶. pāranō

که بنا به اساطیر زردشتی زن‌ها از جهیکا پدید آمده‌اند. او دگ: او مادر ضحاک است و کسی است که جمشید را به لدايد دنیوی حریص کرد. نیاز، فقر، شهوت، خشم، پیری را به وجود آورد.

پئیریکا (*pairikā*) به معنی جادوگر زن است و پری بازمانده *parig* است که در فارسی به معنی زن جنی است. پریان خود را زیبا ساخته تا قهرمانان بزرگ را اغواء سازند. به طوری که این امر در شاهنامه در مبارزه دو پهلوان رستم و اسفندیار در خان چهارم بازن جادوگر مشهود است.

زن - ماه:

زیبایی و آراستگی زن و استفاده از زیورآلات نمادین به شکلی که با پیرایش و آرایش جلوه‌گری به کمال برسد در طول گذر تاریخ دیده می‌شود. در یشت‌ها از اوستا زیبایی یک زن این گونه توصیف شده است: اردویسورانا هید به صورت دختر زیبایی، بسیار برومند، خوش اندام، کمربند در میان بسته، راست بالا، آزاده نژاد و شریف، کفش‌های زرین به پانموده، بازینت‌های بسیار آراسته روان گشت. از لحاظ شباهت ماه به زن چیزی که باید گفت رفتار ماه با همسرانش است که در اساطیر هند مطرح بوده و به نظر آنان ماه دارای هفت زن است که تنها به یکی از آنها توجه دارد. در ایران از نظر عامه مردم، خورشید و ماه زن و مرد هستند و دل داده یکدیگر که در اساطیر هند هم همین مطالب بیان شده است.

فرجام:

پس از گذار و گذار از روندی مکرر از زمان در دو جنس از یک دهنش روان انسان می‌باید در سپیده دم روز چهارم از راه ساخته زمان که به پل چنود منتهی می‌شود بگذرد. بر روی این پل با دنا که - ذکرش رفت - مظهر کردار هایش دیدار می‌کند. آن وجدان دینی به پیکر زن زیبا روی یا زشت روی دیده می‌شود. دین پرهیزگار انسان اهل را به بهشت و دین بدکار، دروند را به جهنم رهنمون می‌شود. اوبه پیکر دوشیزه ای زیبا، درخشان، سپید بازو، نیرومند... همانند زیباترین آفریدگان بر انسان در ستکار ظاهر می‌شود و می‌گوید: «... ای جوان نیک اندیش، نیک گفتار، نیک کردار، نیک دین، من دین خود تو هستم». درباره فرشگرد کرداری (بازسازی و درخشان سازی جهان) چنان است: هر مردی را که در زمین یک زن است، آنگاه او را همان گونه است. کسی که او را (زن) بسیار بود، آنگاه او را (زنان) بسیار باشند. کسی که او را (زن) نبود، زنی هم بالا و هم چهره، پیش ایستاده (باشد).

نتیجه:

حضور و نقش زنان در تاریخ ایران دارای فراز و نشیب‌هایی بوده است. در بازتاب‌های مسایل دینی همیشه خواستاری برابری زن و مرد در رأس قرار گرفته است. نگرش اساطیری و تاریخی سرزمین ماحکایت از چهره‌هایی مشهور و برجسته دارد که تصویری از زن را به مثال ایزد بانو در مقام و جایگاه پرستش معرفی می‌کند.

از دیدگاه اسلام نیز، زن دارای کرامت است و ارزش معنوی او بسیار بالاست. پیامبر اسلام (ص) به زنان حق حیات اجتماعی و اخلاقی داد تا در اغلب حقوق با مرد مساوی شود. قرآن در کنار هر مرد بزرگ و قدیسی از یک زن بزرگ و قدیسه یاد می‌کند. از همسران آدم و ابراهیم و از مادران موسی (ع) و عیسی (ع) در نهایت تجلیل یاد می‌کند. و در آن روی دیگر اگر همسران نوح و لوط را به عنوان زنانی ناشایسته برای شوهرانشان ذکر می‌کند، از زن فرعون به عنوان زنی بزرگ غفلت نکرده است.

منابع

- آسترکی، مرضیه، نقش زن در فرهنگ ایران باستان - مجله مدیریت زنان در عرصه های فرهنگی و اجتماعی ۱۳۸۸.
- آموزگار ژاله ۱۳۸۶، اسطوره زندگی زردشت، تهران: چشمه.
- آموزگار، ژاله ۱۳۷۴، تاریخ اساطیری ایران، تهران: سمت.
- آموزگار، ژاله ۱۳۸۶، زبان فرهنگ اسطوره، تهران، مهارت.
- بهار، مهرداد، ۱۳۸۱. پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: آگاه.
- بهرامی قصرچمی، خلیل، مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان، قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران ۱۳۸۸.
- پور داوود، ابراهیم، ۱۳۸۱، یادداشت های گاتها، تهران: اساطیر.
- تفضلی، احمد ۱۳۷۵، به کوشش ژاله آموزگار، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران، مهارت.
- جلالی نائینی: سید محمدرضا، ۱۳۸۴ - فرهنگ سنسکریت - فارسی - تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دادور، ابوالقاسم، منصوری، الهام، ۱۳۸۵، درآمدی بر اسطوره ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، انتشارات کلهر.
- راشد محصل، محمدتقی، ۱۳۸۵، وزید گیهای زادسپرم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رجایی بخارایی، احمدعلی، به کوشش کتایون مزداپور، ۱۳۸۱، برگزیده شاهنامه فردوسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زرشناس، زهره، ۱۳۸۵، به کوشش ویداندا، زن و واژه، تهران، فروهر.
- کراچی، روح انگیز، ۱۳۸۲. بانو گشسپ نامه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کریستین سن، آرتور، ترجمه رشید یاسمی، ۱۳۷۸، ایران در زمان ساسانیان، تهران: صدای معاصر.
- علوی، هدایت الله، ۱۳۸۰، زن در ایران باستان، تهران، هنرمند.
- مکنزی، دیوید نیل، ترجمه مهشید میر فخرایی، ۱۳۷۹، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

تاریخ وصول: ۸۹/۳/۲۴

تاریخ پذیرش: ۸۹/۴/۱